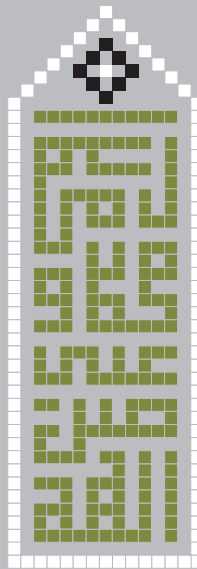


اسماء الوحي والحي



سرشناسه: نیازی، محمد، ۱۳۶۳-

شناسه افزوده: جعفری کافی آباد، صابر، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: هم رومی و هم زنگی: دینداری در زندگی روزمره در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی با تاکید بر زندگی نامه‌ها و خاطرات شفاهی / محمد نیازی، صابر جعفری کافی آباد.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۳.
فروست: مجموعه ریشه‌ها؛ جلد نخست.

شابک: ۵-۱۰-۵۰۵-۶۲۲-۹۷۸؛ شابک دوره: ۹-۰۹-۵۰۵-۶۲۲-۹۷۸

موضوع: دینداری -- جنبه‌های اجتماعی Religiousness -- Social aspects

تحولات اجتماعی -- ایران -- تاریخ Social change -- Iran -- History

دین و جامعه‌شناسی -- ایران Religion and sociology -- Iran

اخلاق اجتماعی -- ایران -- تاریخ Social ethics -- Iran -- History

رده‌بندی کنگره: ۶۵/۲۲۳۲ BP

رده‌بندی دیویی: ۴۸۵/۲۹۷

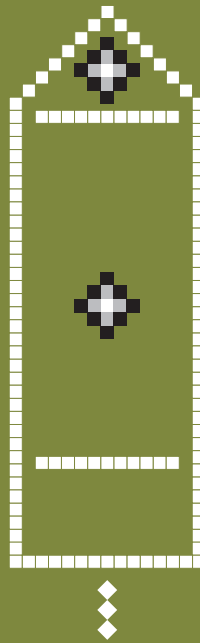
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۵۹۲۳۶



مجموعه ریشه‌ها؛
جلد نخست

هم رومی وهم زندگی
دینداری در زندگی روزمره در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی
با تاکید بر زندگی نامه‌ها و خاطرات شفاهی

محمد نیازی
صابر جعفری کافی آباد
(عضویت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی)





اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

مجموعه ریشه‌ها؛ جلد نخست:

هم رومی و هم زندگی

دینداری در زندگی روزمره در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی

با تاکید بر زندگی‌نامه‌ها و خاطرات شفاهی

محمد نیازی / صابر جعفری کافی آباد

ناظر علمی: محمد سجاد صفارهرندی

ویراستار: مریم شیرانی

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ نخست: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹-۰۹-۵۰۰۵-۶۲۲-۹۷۸

شابک جلد: ۵-۱۰-۵۰۰۵-۶۲۲-۹۷۸



نشانی:

تهران، خیابان سمیه،

حوزه هنری، پژوهشکده

فرهنگ و هنر اسلامی

کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲

شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



با اسکن
رسانیه از
دیجیتال‌آر
پژوهشکده
فرهنگ
و هنر اسلامی

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸

تالیف و تحقیق این اثر با حمایت

معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران

انجام شده است.



تقدیم به
احیاگر بزرگ دیانت در ایران و جهان معاصر،
امام خمینی (ره)



فهرست مطالب



پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی ۹

آغاز ۱۴



فصل نخست؛ دانش دینی ۳۷



مفاد دانش دینی ۴۵

قرانت و روخوانی قرآن ۴۵

دعا؛ نجواهای مادر بزرگ‌ها ۴۳

محفوظات مشهور دینی ۴۵

داستان‌های دینی ۴۷

تقلید ۴۸

احکام رساله‌ای ۵۳

درس دینی مدارس دولتی ۵۷

مسئله امامت و هویت شیعی ۶۰

تکلیف، بشارت و انذار ۶۳

نهادهای جامعه‌پذیری دینی ۶۴

خانواده؛ قوام‌دهنده دین‌داری ۶۴

مادر؛ بستر شفاهی جامعه‌پذیری دینی ۶۷

آموزش دین رسمی، در حکم مناسک و آیین‌های ملی ۶۹

روحانیت و منبر؛ احیا و بازآرایی در شمالی جدید ۷۳

مدارس اسلامی؛ فرار از مدرسه دولتی، پناه بردن به آیین تربیت ۷۶

مسجد؛ امتداد زندگی روزمره، پایگاه محلی دین‌داری ۸۳

میانجی‌ها و رسانه‌های فرهنگی ۸۴

راهبردهای جامعه‌پذیری دینی ۸۸

ایمان‌گریزی و دانش دینی تُنک ۸۸

دین‌داری یا دل‌پاکی؟ ۹۱

جایگاه دین در نظام آموزش اجتماعی ۹۲

دین‌شناسی؛ آموزش مازاد ۹۲

منظومه تربیت دینی ۹۴



فصل دوم؛ هویت دینی ۹۵

هویت تفاضلی؛ رابطه با غیرها، مرزها ۹۸

اول دو مسلمان، بعد دو مذهب ۹۹

فاصله دینی در عین قرابت در زندگی روزمره ۱۰۴

غیریت‌سازی‌های هویتی ۱۱۰

مورد خاص بهابیت ۱۱۳



۱۱۹	فصل سوم؛ مناسک و التزامات شریعت
۱۲۲	نماز (منسک عبادی فردی)
۱۲۲	نماز در محیط‌های مدرن دولتی
۱۲۹	نماز در محیط‌های آموزشی
۱۳۱	نماز در شهر و روستای محل زندگی
۱۳۶	نماز در خانواده
۱۳۹	طهارت و نجاسات؛ تقدم زندگی روزمره بر فقه
۱۴۴	مبالات دین در تکوین و تثبیت حریم خانواده
۱۴۹	تابوهای جنسی: حرام نهادن!
۱۵۳	مسئله حجاب
۱۵۳	ادراک عمومی از پوشش شرعی
۱۵۴	سازکارهای تنظیم‌کننده حجاب
۱۵۸	قانون رسمی و حجاب
۱۶۱	حجاب در فضاهای رسمی و نیمه‌رسمی (مدرسه، دانشگاه، خیابان)
۱۶۸	رنج حجاب
۱۷۲	گونه‌های پوشش
۱۷۹	برکشیدن حجاب به مثابه یک انتخاب بازانديشانه
۱۸۴	مسئله اختلاط و «محرّم/ نامحرّم»؛ حیای مردانه و معنای «فرهنگی» هنجار اختلاط
۱۹۴	مخاطرات واقعی اختلاط و مقاومت‌های فرهنگی
۲۰۱	زن و تهدید بالقوه «خیابان» و «اتوبوس»
۲۰۶	اختلاط؛ تابویی در مسیر عادی سازی
۲۱۲	از ارج مبالات مذهبی تا رنج آن
۲۱۶	جایگاه احکام مالی در زندگی روزمره دین‌داران
۲۱۷	دل مشغولی فقهی اولی بر دل مشغولی قانونی
۲۱۹	معامله شبهه‌دار؛ امر تساهل ناپذیر دین‌داری اقتصادی
۲۲۴	سرمایه اجتماعی «وجوهات شرعی» زیر سقف بازار
۲۲۶	مسئله مصرف مسکرات در دهه‌های چهل و پنجاه
۲۲۸	مسکرات؛ قبیح متداول
۲۳۱	الکل؛ بخش جدانشدنی فرهنگ تفریحی شهر
۲۳۵	الکلی‌ها؛ سوغات زیست کلان شهری
۲۳۹	مسئله سینما و رادیو و تلویزیون
۲۳۹	رسانه‌های مدرن و زیست روزمره متشرعان
۲۴۷	سینما و رادیو و تلویزیون؛ تیغ یک‌لبه
۲۵۱	تلویزیون؛ تقریباً حرام!
۲۵۸	سینما؛ تابوی سنگین
۲۶۸	مسئله تقلید




۲۷۳ فصل چهارم؛ آیین‌ها و مناسک جمعی

- ۲۷۵ ادعیه
- ۲۸۴ زیارت
- ۲۸۴ مشهد، عتبات و حج؛ آرزوی دشوار
- ۲۸۸ سرمایه اجتماعی سفر زیارتی
- ۲۹۰ فضیلت دفن شدن در مکان مقدس
- ۲۹۱ امام‌زاده‌ها و واسطه‌های قریب
- ۲۹۵ اماکن دینی
- ۲۹۵ اماکن دینی؛ ابنیه واقعاً منفرد
- ۲۹۸ مسجدهای جوانانه، مسجدهای پیرمردی
- ۳۰۲ مسجد؛ ادب خانوادگی متدینان
- ۳۰۵ دم انقلاب در کالبد مساجد
- ۳۰۹ تنظیم زمان دینی
- ۳۰۹ دین و نشان‌گذاری‌هایی در زمان: «تولد» و «انتخاب نام»
- ۳۱۳ تنظیم «وقت» روزمره
- ۳۱۵ رخدادهای تقویمی؛ روزهای «ما» و روزهای «همه»



۳۲۱ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۳۲۲ سیمای کلی ابعاد دین‌داری در دهه‌های چهل و پنجاه
- ۳۲۸ دین‌روستایی و جهان‌درونی‌شده‌ها، دین‌شهری و درنگ‌های جدید
- ۳۳۲ فاصله نگرش و دانش و رفتارهای دینی
- ۳۳۲ دین‌داری فرهنگی؛ دین‌داری معیار
- ۳۳۴ بازتعریف امر شرعی در چارچوب امر روزمره و عرف
- ۳۳۶ خانواده؛ ظرف دین‌داری



۳۳۸ کتاب‌نامه



پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است. از وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)

با گذشت چهار دهه از رخداد تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی ایران بحث از ماهیت و علل و بسترهای آن هنوز بخش درخور توجهی از فضای تحقیقات و مطالعات اصحاب علوم اجتماعی را، نه فقط در ایران که در نهادهای علمی و دانشگاهی اروپای غربی و آمریکای شمالی، به خود اختصاص داده است. فضای غالب در تحقیقات جریان اصلی و متعارف علوم اجتماعی آن بوده که عامل اقتصادی (مثلاً افزایش و کاهش درآمدهای نفتی و تبعات آن) یا عامل سیاسی (استبداد و فقدان نهادهای مشارکت سیاسی) را در کانون تحلیل خود قرار داده و به دلایل معرفتی، ایدئولوژیک و حتی سیاسی نقش عنصر فرهنگی، یعنی مشخصاً دیانت و علایق و عقاید اسلامی، را در وقوع انقلاب به حاشیه برده یا انکار کند. در مقابل این جریان اصلی، دیدگاه رقیبی از جانب برخی

محققان واقع‌گرا و منصف‌تر وجود دارد که مرکزیت علایق دینی و فرهنگی در انقلاب را پذیرفته و آن را به ظهور و بروز زیربنای اقتصادی و یا وضع سیاسی تقلیل نمی‌دهد.

روشن است که هر دسته از تبیین‌های انقلاب در حدود خود حاوی بهره‌ای از حقیقت انقلاب اسلامی است. در واقع، اگر وجه تقلیل‌گرایانه دیدگاه‌های اقتصادگرایانه یا سیاست‌گرایانه دربارهٔ انقلاب را کنار بگذاریم، هر یک از آن‌ها وجوهی از واقعیت تحولات منتهی به انقلاب اسلامی را بازنمایی می‌کنند؛ اما تقلیل واقعیت پیچیده به الگویی ساده‌سازی‌شده، امری که شاید بخش‌گریزناپذیر هر تلاشی برای تبیین نظری باشد، وقتی با جزم‌ها و تعصبات معرفتی و سیاسی گره می‌خورد به نوعی اعوجاج یا ناینمایی علمی تبدیل می‌شود. این امر حتی دربارهٔ دیدگاه‌ها و تبیین‌هایی که عنصر فرهنگ و مشخصاً اعتقادات و علایق دینی را در کانون فهم انقلاب قرار می‌دهند نیز صادق است. طبعاً گروهی از اهالی علوم اجتماعی ایران که دارای علقهٔ عقیدتی به انقلاب اسلامی هستند این دسته از تفسیرها را ترجیح می‌دهند، زیرا متضمن پذیرش سرشت اسلامی انقلاب و نقش محوری روحانیت در آن است. اما این خطر وجود دارد که تبیین کلان مذکور نیز با شکل‌دهی به الگویی بسیط و غیرپیچیده، ما را از فهم ظرایف و دقایق واقعیت انقلاب عظیم اسلامی عاجز سازد.

تبیین‌های فرهنگ‌محورانهٔ انقلاب بر نقش و اهمیت محوری دین، هویت دینی، مرجعیت دینی، حساسیت‌های متدینانه و ذهن و زبان دینی در وقوع انقلاب تمرکز می‌کنند. از این منظر، انقلاب پاسخ «جامعهٔ دیندار» به اقدامات و سیاست‌های دین‌زدایانهٔ «حکومت غیردینی» است. پروژهٔ مدرن‌سازی غرب‌گرایانهٔ حکومت پهلوی که از جهات متعددی متضمن وهن و نفی هویت دینی جامعه است، پاسخی در جهت عکس را برمی‌انگیزد و امام خمینی با

اتکا به سنت و میراث زندهٔ اسلام شیعی در ایران و حساسیت‌ها و علایق دینی موجود در آحاد مردم اجماعی بی‌نظیر برای برانداختن حکومت طاغوت و برقراری حکومت اسلامی را شکل می‌دهند.

به نظر می‌رسد الگوی کلی فوق‌الاصول با داده‌ها و واقعیت‌های تاریخی انقلاب بهمن ۵۷ انطباق دارد. همچنان که بر مبنای اسناد و روایت‌ها، این فهم به آنچه در میان ذهنیت سوژه‌های انقلابی در متن واقعه جریان داشت نیز نزدیک است. با این حال، خلأ مهمی در این سنخ از تبیین انقلاب وجود دارد که نمی‌بایست نادیده گرفته شود. این تبیین، همچون سایر تبیین‌های پسینی، رخداد انقلاب را امری طبیعی و قابل‌انتظار تصویر می‌کند. جایی که از سوی حکومتی دین‌ستیز و دین‌زدا و از سوی دیگر جامعه‌ای دیندار و متدین داریم، وقوع انقلاب اسلامی نتیجهٔ قهری و طبیعی سیر امور و وقایع است. این در حالی است که بازگشت به روایت‌ها و فضای ذهنی دوران انقلاب عموماً حکایت از وقوع «امر شگفت و نامنتظر» دارد. اگر واقعیتی چنین روشن، یعنی تعارض میان جامعه‌ای دیندار و حکومتی دین‌زدا، وجود داشت (که به یک معنا هم وجود داشت) چرا باید وقوع انقلاب را به مثابه امری شگفت و «تصورناشدنی» تصویر کرد. ضمن اینکه نمی‌توان شگفتی را صرفاً به بیگانگی و دوربودن از واقعیت کف صحنه نیز تقلیل داد. این فقط شاه و دم و دستگاهش یا سران کشورهای غربی و کارشناسان و متخصصانشان نبودند که با حیرت به صحنه می‌نگریستند. وضعیت در میان خود انقلابیون نیز تفاوت چندانی نداشت. وقوع انقلاب و خصوصاً غلبهٔ تام و تمام خصلت اسلامی در آن نه فقط «دشمن» که حتی «دوست» را به تحیری شیرین واداشت.

چگونه می‌توان بین کلان‌روایت فرهنگ محور از انقلاب از یک سو و شگفت و نامنتظره‌بودن آن از سوی دیگر جمع کرد؟ پاسخ را شاید می‌بایست در معنا و دلالت دقیق و درست دینداربودن جامعهٔ ایران جست‌وجو کرد. در

اینکه جامعه ایران از گذشته‌های دور خصلتی دینی داشته تردید نیست. در دوران صفویه موجودیت سیاسی ایران با ملاط تشیع اثناعشری بازسازی شد و به‌رغم آنکه ظهور تجدد، پیامدهای جنبش مشروطه و خصوصاً حاکمیت سلسله پهلوی از نقش سیاسی دین کاست، اما حضور فراگیر آن در فرهنگ عمومی جای انکار نداشت. با این‌همه، مسأله احتمالاً این است که آن میزان از شدت و فراگیری ایمان، تعلق و تعهد مذهبی که در انقلاب بهمن ۵۷ ظاهر شد متفاوت از تصویر قبلی جامعه ایران از خود و از این‌رو مایه شگفتی فراگیر بود. به عبارت دیگر، تصویر و سیمای جامعه ایران از حیث معیارها و موازین تدین به نحوی نبود که ظهور فضای قدسی و خلوص‌خواهی دینی انقلاب را امری طبیعی و قابل انتظار سازد. از اینجا می‌توان در کلیشه اغراق‌شده «جامعه دیندار» در قبال «حکومت غیردینی» تأمل و دست‌کم آن را تعدیل و تدقیق کرد. این امر نیازمند به‌دست‌دادن تصویری درست و حتی‌الامکان جامع‌الاطراف از وضعیت دینداری جامعه ایران در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی (مشخصاً دهه چهل و پنجاه شمسی) است.

جست‌وجوهای اولیه گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حکایت از آن داشت که فضای پژوهشی و علمی ما فاقد چنین تصویری در قالب پژوهش‌های منظم جامعه‌شناختی و تاریخی است. در واقع، صرفاً معدودی تحقیقات پیمایشی در دهه ۱۳۵۰ در دسترس بود که تفسیر نتایج آن‌ها بیرون از بستر اجتماعی و فرهنگی می‌توانست رهزن باشد و نیز پاره‌ای تحقیقات که عمدتاً بر عملکرد نهادها و جریان‌ات دینی تمرکز داشتند و ارتباط معناداری با دینداری جاری در میان مردمان برقرار نمی‌کردند. این فضای خالی تحقیقاتی در کنار حضور فراگیر کلیشه‌های نیازموده و مفروضات بدیهی انگاشته شده که ذهن و زبان اهل نظر را در تسخیر خود داشت، موجب شد که مسئله دینداری ایرانیان در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی

موضوع یک کلان پروژه پژوهشی قرار گیرد و زنجیره‌ای از تحقیقات ذیل آن در گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی تعریف و اجرا شود. در هر پژوهش تلاش شد از زاویه متفاوت یا بر بستر داده‌ها و اسناد متمایزی به موضوع نزدیک شویم تا از سرجمع آن‌ها تصویر ما از مختصات و شرایط دینداری در دهه‌های چهل و پنجاه وضوح بیشتری یابد.

حاصل این تحقیقات در انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی با عنوان مجموعه کتاب ریشه‌ها منتشر می‌شود. کتابی که پیش روی شماست، «هم رومی و هم زندگی؛ دینداری در زندگی روزمره در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی» نوشته آقای دکتر محمد نیازی و آقای دکتر صابر جعفری، جلد نخست این مجموعه است.

امید است که این اثر و سایر منشورات مجموعه کتاب ریشه‌ها به سهم خود بتوانند نقشی در تعمیق دانش و بینش جامعه علمی کشور به تاریخ معاصر ایران و خصوصاً رخداد عظیم انقلاب اسلامی ایفا کنند. دانش و بینش ما نسبت به پیشینه و تاریخمان ضرورتاً شیوه اندیشه و عمل امروزمان را متأثر می‌سازد.